

ایده آل باروری و نرخ باروری

توزیع نگرش افراد در مورد مواد

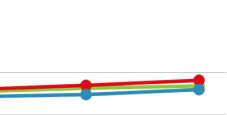
دلایل	
۱	نگرانی از آیندهٔ فرزندان
۲	سخت بودن تربیت فرزند
۳	بالا بودن هزینه‌ها
۴	مناسب نبودن فرزند زوجه
۵	نداشتن فرصت کافی
۶	ناسازگاری با شرایط کار
۷	کم شدن رابطه عاطفی با همسر
۸	مانع تفریحات و علایق
۹	بیماری

منبع: جپا

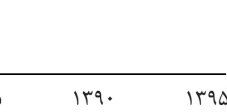
علل و دلایل این شکاف چیست؟ جدول ۲، بر اساس داده‌های پیمایش توزیع درصدی نگرش افراد در مورد موافقت با موانع و محدودیت‌ها را به تفکیک سن نشان می‌دهد. در پاسخ به این سؤال، پاسخگویان چند گزینه را انتخاب کردند.

اما پاسخ‌های جدول را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ اگر بخواهیم کنیم، پاسخ‌های ۷ و ۸ می‌تواند موانع فرهنگی تفسیر شود که ال از افراد قائل به آن نبوده و نیستند. اما پاسخ اصلی یعنی پاسخ‌ها نسبت به آینده، به عوامل ساختاری و نهادی بازمی‌گردد. حتی تربیت فرزند« (پاسخ دوم) نیز نشانه نارضایتی از نظم نهادی و فرهنگ است. در تحقیقات انجام‌شده، مادر شدن و فرزندآوردن دختران اهمیت اساسی دارد. برای نسل جوان که بیش از هزارش‌ها و رفتارهای جدید پیروی می‌کند، فرزندآوری ارزشمند فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۲، رازقی نصرآباد، ۱۳۹۰، ۱۱) همین تحقیقات، اهمیت یافتن کیفیت مادر و تمرکز بیشتر بر آموزش و تربیت آنها را نشان می‌دهند و این نشان از بلوغ فرهنگ بالا بودن هزینه‌ها (مانع سوم) نیز که واضح است، اما حتی کسانی فرزندآوری داشته‌اند، به دلایلی مانند آینده فرزندان و سخت بودن آنها اشاره داشته‌اند. در مطالعات جدید، علاوه بر اینکه بین باروری شکاف وجود دارد، قصد فرزندآوری تحت تأثیر شرایط اقتصادی

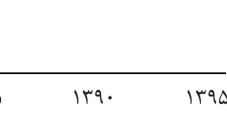
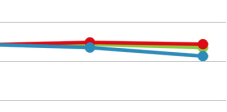
تغییرات



تغییرات



تغییرات



نرخ سطح جانشینی است. بنابراین میانگین کل باروری یافزندان واقعی برای هر زن که ۱٫۷ فرزند برای هر زن است، به مقدار ۱٫۴ تا ۱٫۴ فرزند (به ازای هر زن) از میزان خواست اکثریت جامعه کمتر است. به عبارت دیگر، بین ایده آل فرزندآوری اکثریت مردم و نرخ باروری آنها، شکافی عمیق وجود دارد و سیاست‌ها و برنامه‌های افزایش باروری باید بر روی این شکاف بین «ایده آل باروری» و «نرخ باروری» و عوامل و دلایل آن متمرکز شود.

که در گزارش رازقی نصرآباد، سال ۱۴۰۰ آمده است، داشتن فرزند برای عموم خانواده‌های ایرانی، ارزش اساسی دارد. همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد درصد تک‌فرزندی به عنوان ایده آل باروری در گزارش سال ۱۳۹۶ وزارت کشور حدود ۱۱ درصد و بر اساس فراتحلیل مطالعات مختلف، ۱۵٫۹۹ درصد است (رازقی نصرآباد و عباسی شوازی، ۱۳۹۸). «دو فرزند و بالاتر» به عنوان ایده آل غالب قابل توجه است و در بسیاری از مطالعات، اکثر افراد دو فرزند و بالاتر را به عنوان بعد مطلوب فرزند می‌دانند. نتایج مطالعه رازقی نصرآباد و عباسی شوازی (۲۰۲۰) نشان می‌دهد میانگین باروری ایده آل در ایران ۲٫۲۵ است. بنابراین نرخ باروری پایین کنونی به رغم ایده آل باروری بیشتر از دو فرزند، بیانگر شکافی است که بین اندازه ایده آل و اندازه واقعی باروری وجود دارد و بخش زیادی از مردم قادر به تحقق ایده آل باروری خود نیستند. اما

توزیع درصدی تعداد مطلوب فرزند در ایران در پیمایش‌های مختلف طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۸

تعداد مطلوب فرزند	۱۳۸۲	۱۳۹۴	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
۰	۰	۰/۵	۰/۳	۳/۹	۰/۸۳
۱	۱۱/۵	۸/۲	۱۱	۲۵/۱	۱۵/۹۹
۲	۷۴	۴۸/۱	۴۷/۴	۴۷/۱	۵۶/۹
۳	۱۰/۷	۲۲/۱	۱۹/۶	۱۳/۲	۱۷/۳
۴	۳/۶	۱۶	۱۶/۳	۷/۳	۴/۶
۵ و بالاتر	۰/۳	۴/۲	۵/۳	۲/۸	۰/۷
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: رازقی نصرآباد، ۱۴۰۰

مهمترین عامل کاهش نرخ رشد جمعیت در ایران، «کاهش باروری طی سه دهه گذشته بوده است. بر اساس آمار، در حال حاضر میانگین نرخ باروری در ایران، ۱٫۷ فرزند برای هر زن و پایین تر از سطح جانشینی (یعنی ۲٫۱ فرزند برای هر زن) است؛ در حالی که سیاست‌ها و برنامه‌های رسمی برای افزایش باروری، بیشتر بر زمینه‌های فرهنگی و تبلیغی تأکید داشته‌اند، اما نتایج تحقیقات نشان می‌دهد ایده آل فرزند در بین اکثریت ایرانیان، بین ۲ تا ۳ فرزند یعنی

اما کاهش نرخ باروری در ایران را چگونه می‌توان تحلیل فرهنگی کرد؟ برای پاسخ از مفهوم «ایده آل باروری» استفاده می‌کنیم. ایده آل باروری، بخشی از فرایند تصمیم‌گیری برای باروری است. آمار و تحقیقات نشان می‌دهد طی سه دهه گذشته، تمایلات و ایده آل‌های باروری خانواده‌ها (در شهر و روستا) در جهت فرزند کمتر و خانوار کوچکتر بوده است. همین امر باعث شده که سازمان‌های رسمی و رسانه‌ها، کاهش نرخ باروری را بیشتر با تحلیل ارزشی توضیح دهند. اما نکته‌ای که از آن غافل می‌شوند این است که این تغییر ارزشی تا پایین‌تر از سطح جانشینی نیامده است. بر اساس پیمایش‌های ملی (جدول یک)

تغییرات اجتماعی و اقتصادی طی چند دهه اخیر باعث تغییرات گسترده در متغیرهای جمعیت‌شناختی در کشور شده؛ به نحوی که بسیاری از این شاخص‌های جمعیتی طی مدت زمانی نسبتاً کوتاه با تغییرات عظیمی روبه‌رو شده‌اند که در تاریخ کشور بی‌سابقه بوده است. افزایش میانگین سن ازدواج



سجاد مرادی

روزنامه‌نگار

میانگین سن ازدواج برای مردان

بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران که از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن به دست آمده نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج در ایران طی شش دهه گذشته هم در بین مردان و هم زنان افزایش چشمگیری داشته است. میانگین سن اولین ازدواج در سال ۱۳۳۵ در مردان ۲۴٫۹ سال بود که طی شش دهه بعد یعنی در سال ۱۳۹۵ به ۲۷٫۴ سال رسید که افزایش ۲٫۵ ساله را نشان می‌دهد. هرچند این افزایش، یک پدیده مداوم نبود. این میانگین در سال ۱۳۴۵ تقریباً بدون تغییر ماند و در سال ۱۳۹۵ حدوداً یک سال کاهش یافت. کاهش میانگین سن ازدواج در سال ۱۳۶۵ ادامه یافت و به کمترین میزان خود طی شش دهه اخیر (یعنی ۲۳٫۸ سال) رسید. از ابتدای دهه ۱۳۷۰ افزایش سریع میانگین سن ازدواج آغاز می‌شود و طی ۲۵ سال، از ۲۴٫۴ سال به ۲۷٫۴ می‌رسد. افزایش سه ساله میانگین سن ازدواج از تغییرات بسیار سریع در ارزش‌های ازدواج در بین جوانان حکایت دارد.

میانگین سن ازدواج برای زنان

تغییرات میانگین سن ازدواج در بین زنان نیز

در این نگاشته با توجه به مقاله «رشد تغییرات ضریب پش‌تیبانی در صندوق‌های بازنشستگی با تأکید بر صندوق تأمین اجتماعی» به قلم مجید کوششی (عضو هیأت علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران) و رضا کیانی (عضو گروه جمعیت و سلامت مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور)، «رشد تغییرات نسبت ضریب پش‌تیبانی در صندوق‌های بازنشستگی طی ۵۰ سال، حداقل سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۹۸ بحث و بررسی شده است.

اهمیت نهاد صندوق‌های بازنشستگی در کشور به حدی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند منجر به یک چالش ملی در آینده‌ای نزدیک شود. همان‌طور که در این پژوهش نشان داده شده، شاخص ضریب پش‌تیبانی در صندوق‌های بازنشستگی کشور روندی کاهشی داشته و در بسیاری از آنان توازن در منابع و مصارف درون سازمانی روندی بحرانی دارند.

نویسندگان این مقاله معتقدند «کاهش قابل توجه باروری و افزایش امیدزندگی، تغییرات عمده‌ای در ساختار سنی جمعیت ایران ایجاد کرده است. این تغییرات در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، منابع سرمایه‌ای صندوق‌های بازنشستگی و نظام تأمین اجتماعی را متأثر خواهد ساخت.» «کوششی» و «کیانی» با اشاره به مشکلات سالمندی جمعیت یکی از اصلی‌ترین پیامدهای ناشی از این مسأله را ایجاد بحران در روند فعالیت صندوق‌های بازنشستگی می‌دانند و بر این باورند موضوع سالمندی جمعیت در ایران علاوه بر بی‌ثباتی مالی و ناپایداری منابع و مصارف در این صندوق‌ها منجر به عدم توازن مالی‌شان نیز می‌شوند. البته آنان علاوه بر سالمندی جمعیت دیگر عوامل عدم توازن منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی را برشمرده و به مواردی مانند مرگ زودهنگام و از کار افتادگی ناشی از مصدومیت در اثر حوادث کار، نرخ بالای بیکاری، پرداخت به بازماندگان مستمری‌گیران ناشی از افزایش نرخ طلاق و کاهش میزان ازدواج زنان اشاره کرده‌اند. کوششی و کیانی همچنین ضمن اشاره به اهمیت ضریب پش‌تیبانی آن را شاخصی برای تشخیص پایداری مالی صندوق‌های بازنشستگی می‌دانند. ضریب پش‌تیبانی از تقسیم تعداد بیمه‌شدگان بر مستمری‌گیران بر حسب پرونده به دست می‌آید. به گفته این دو «بر اساس تجربیات جهانی و اصول علمی آمار و محاسبات اکچوئری، اگر نسبت ضریب پش‌تیبانی در صندوق بازنشستگی کمتر از هفت به یک شود، آن صندوق دچار وضعیت ناپایداری است.»

همچنین کوششی و کیانی در این مقاله تلاش کرده‌اند ضریب پش‌تیبانی در ۱۸ صندوق بازنشستگی کشوری را مورد بررسی قرار دهند. بر اساس یافته‌های آنان و با توجه با استاندارد جهانی ضریب پش‌تیبانی، آنان معتقدند تنها دو صندوق نوپای روستاییان و عشایر و صندوق و کلا در وضعیت مطلوب قرار داشته و مابقی وضعیت مناسبی از این منظر ندارند و به غیر از صندوق تأمین اجتماعی مابقی صندوق‌ها ضریب پش‌تیبانی‌شان زیر دو است؛ بدین معنا که به ازای هر بازنشسته، کمتر از دو نفر شاغل وجود دارد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین سازمان بیمه‌گر کشور، در سال ۱۳۴۸ تنها ۹٫۹۳ جمعیت کشور را تحت پوشش خود داشته، در حالی که این میزان در سال ۱۳۹۵ به ۵۲٫۱ درصد رسیده و ضریب نفوذ این سازمان از ۹۰٫۱ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۵۹٫۸ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. ضریب پش‌تیبانی این سازمان نیز از ۲۰٫۱۹ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۴٫۵ نفر در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته که این کاهش از سال ۱۳۵۵ آغاز شده است. «از آن زمان به بعد، تنها در سال ۱۳۷۶ است که در حد ناچیزی با افزایش ضریب پش‌تیبانی نسبت به سال قبل مواجه هستیم و از سال ۱۳۷۷ به بعد روند کاهشی این شاخص همچنان ادامه دارد.» از دیگر یافته‌های کوششی و کمالی آن است که «تقریباً تمام استان‌های صنعتی ایران دارای ضریب پش‌تیبانی پایین‌تر از میانگین و یا نزدیک به آن هستند.»

این دو محقق در نهایت معتقدند تغییر در ضریب پش‌تیبانی به دو عامل اصلی وابسته است؛ اول تعداد بیمه‌شدگان و دوم تعداد بیمه‌شدگان، «هر موضوع و مسأله‌ای که سبب کاهش یا افزایش در دو عامل ذکر شده شود، قطعاً بر ضریب پش‌تیبانی تأثیر خواهد گذارد.» آن دو اساسی‌ترین عوامل اثرگذار بر تعداد بیمه‌شدگان را نرخ رشد اشتغال، بیکاری و متوسط مدت زمان اشتغال و بیمه‌پردازی معرفی کرده‌اند. همچنین از نظر کوششی و کمالی اساسی‌ترین عواملی که می‌توانند بر تعداد مستمری‌گیران اثرگذار باشند عبارتند از: سن قانونی رسیدن به دوران بازنشستگی، وضعیت ایمنی کارگاه‌ها، تعداد افراد از کار افتاده، بازنشستگی پیش از موعد و سال‌های بر خور داری بازماندگان از مزایای بیمه‌ای.

با این نگاه، قطعاً نیاز به بازشناخت عوامل تأثیرگذار بر تعادل منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی و به کارگیری سیاست‌های حمایتی از این نهادها برای توسعه کشور امری ضروری به شمار می‌آید.